

تحلیل زمینه‌های شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی در جهان اسلام

جواد اطاعت، دانشیار علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

علی اکبر دبیری^۱، دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

تروریسم یکی از اساسی‌ترین بحران‌سده جاری در جهان اسلام است. کشورهای اسلامی شاهد بیشترین تعداد حملات تروریستی و بالاترین میزان آسیب‌پذیری در مقابل این پدیده هستند. آمار و اطلاعات بین‌المللی نشان می‌دهد در بین ۱۰ کشوری که بیشترین حملات تروریستی را در سال‌های اخیر تجربه کرده‌اند ۸ مورد آن‌ها جزو کشورهای اسلامی‌اند. گروه‌های تروریستی زیادی مانند داعش، جبهه‌النصره، القاعده، الشباب، بوك الحرام و ابوسیف در مناطق مختلف جهان اسلام فعالیت می‌کنند و حتی برخی از کشورهای اسلامی در خطر ساقط شدن توسط گروه‌های تروریستی قرار دارند. مسئله اصلی این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از گزارش‌های بین‌المللی و منابع کتابخانه‌ای انجام شده است، شناسایی و تحلیل دلایل ریشه‌ای شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی در جهان اسلام است؟ به نظر می‌رسد شکل‌گیری و گسترش تروریسم در میان کشورهای اسلامی تحت تاثیر عوامل متعددی است. بنیادهای فکری و اعتقادی بویژه فقه سیاسی برخی از علمای اهل سنت از جمله ابن تیمیه، سید قطب، ابو عبدالله مهاجر، یوسف القرضاوی و... همینطور تقابل سنت و مدرنیسم در دنیای اسلام و گسترش پدیده جهانی شدن، فقر اقتصادی، تحول در گفتمان حاکم بر نظام بین‌الملل از پارادایم دو قطبی به سلسله مراتبی در حال گذار و ایجاد خلع قدرت، رقابت قدرتهای جهانی و منطقه ای در منطقه خاورمیانه، فرهنگ قومی و عشیره ای و فقدان رویکردهای دمکراتیک است.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد عوامل مختلف درونی مانند استبداد سیاسی حکومت‌ها و ضعف دموکراسی، ضعف نفوذ اجتماعی دولت و فرایند ملت‌سازی، تکثر قومی-مذهبی و وجود کشورهای شکننده و فضاهای فاقد حاکمیت در کنار عوامل خارجی همچون ترویج اندیشه‌های افراطی و تکفیری، رقابت ژئوپلیتیکی قدرت‌ها و حمایت برخی دولت‌ها از تروریسم باعث شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی در جهان اسلام شده است.

واژگان کلیدی: تروریسم، جهان اسلام، بحران ژئوپلیتیکی، گروه‌های تروریستی، کشورهای اسلامی.

۱-مقدمه

کشورهای اسلامی همواره درگیر بحران‌های متعدد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، فضایی و ژئوپلیتیکی بوده‌اند. یکی از مهمترین بحران‌های ژئوپلیتیکی که در چند سال اخیر بسیاری از کشورهای اسلامی را درگیر کرده و به شدت جهان اسلام را تهدید می‌کند، بحران تروریسم است. شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی سازمان یافته در کشورهای اسلامی خود منشأ بسیاری از بحران‌های دیگر از جمله فروپاشی اقتصادی، بی‌ثباتی سیاسی، مهاجرت، آوارگی و همچنین نفوذ و حضور قدرت‌های غیراسلامی و فرامنطقه‌ای در قلمرو جهان اسلام شده است. بررسی آمار و اطلاعات جهانی و رصد اخبار مربوط به حملات تروریستی به خوبی نشان می‌دهد که کشورهای اسلامی نه تنها در صدر حملات گروه‌های تروریستی قرار دارند؛ بلکه فضای این کشورها کانون اصلی

^۱. Email: a.a.dabiri1365@gmail.com

شکل‌گیری، فعالیت و ساماندهی حملات تروریستی در مقیاس جهانی شده است. امروز گروه‌های تروریستی همچون الشباب، بوک الحرام در کشورهای اسلامی آفریقایی، القاعده، جبهه النصر و داعش در خاورمیانه، طالبان و شبکه تروریستی حقانی در جنوب آسیا (افغانستان و پاکستان) حملات تروریستی گسترده‌ای را سازماندهی می‌کنند. از سوی دیگر تروریسم شکل گرفته در جهان اسلام عمدتاً تحت تاثیر نظام اعتقاد مذهبی (وهابیت و سلفی گرایی) شکل گرفته است به طوری که می‌توان آن را موج مذهبی تروریسم در جهان اسلام بنامیم. رشد و گسترش تعداد و محدوده عملیاتی گروه‌های تروریستی این مسئله را مطرح می‌کند که چه دلایل و عواملی موجب شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی در جهان اسلام شده است؟ در این پژوهش تلاش شده است عوامل درونی و بیرونی که در شکل‌گیری گروه‌های تروریستی در جهان اسلام بیشترین تاثیرگذاری را دارند شناسایی و تجزیه و تحلیل شوند.

۲- روش تحقیق

روش این پژوهش توصیفی- تحلیلی است و روش گردآوری اطلاعات مبتنی بر آمار، گزارشات و شاخص‌های معتبر بین‌المللی و همچنین منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی است.

سوال پژوهش: چه عواملی در شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی در جهان اسلام بیشترین تاثیر را دارند؟ فرضیه: به نظر می‌رسد ضعف دموکراسی و حکومت‌های استبدادی، ضعف نفوذ اجتماعی دولت و ملت‌سازی، وجود فضاهای فاقد حاکمیت و کشورهای شکننده، تکثر قومی- مذهبی، رشد و ترویج اندیشه‌های افراطی و تکفیری و همچنین حمایت دولتی و استفاده ابزاری از تروریسم توسط قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای از عوامل شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی در جهان اسلام باشد.

۳- مبانی و آموزه‌های نظری

۳-۱- تروریسم

اصطلاح تروریسم در زبان انگلیسی برای اولین بار در سال ۱۵۲۸م مورد استفاده قرار گرفت (Alex P Schmid, 1997: 12). تروریسم با مفهوم جدید خود، پس از انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ م مطرح شد. انقلابیون فرانسوی تروریسم را در فاصله زمانی سال‌های ۱۷۹۵-۱۷۸۹ به عنوان شیوه و روشی رسمی اعمال می‌کردند. بنابراین واژه تروریسم در فرانسه به معنی وحشت و ترس آمده و تروریسم به اصل حکومت وحشت و فشار و به شیوه‌ای که در آن از قتل‌های سیاسی و ترور دفاع گردد، اطلاق می‌شود. (در زبان فارسی برای واژه تروریسم هیچ معادل فارسی در نظر گرفته نشده است). با این حال تاکنون هیچ تعریف جامع و مانعی از تروریسم که مورد توافق تمام کشورها و سازمان‌ها باشد ارائه نشده است. دانشگاهیان، سیاست‌مداران، کارشناسان امنیتی و روزنامه‌نگاران تعاریف مختلفی از تروریسم را ارائه می‌دهند. به طوری که در برخی از تعاریف به طرز عمل سازمان‌های تروریستی تاکید می‌شود و در برخی دیگر، به انگیزه و شخصیت تروریست‌ها پرداخته می‌شود، عده‌ای نیز به شیوه عمل فردی تروریست‌ها می‌پردازند (Ganor, 2002: 290). از سوی دیگر تروریسم برای عده‌ای یک جرم محسوب می‌شود، در حالی که برای دیگران فعالیتی است که از سوی خدا تکلیف شده است، برای برخی یک عمل مشخص برای کسب و حفظ قدرت به شمار می‌آید و عده‌ای آن را به عنوان یک اقدام در برابر ظلم و ستم توجیه می‌کنند، برای عده‌ای نیز تروریسم به معنی حمله به صلح و امنیت است و برای دیگران تلاشی برای جستجوی هویت محسوب می‌شود (Lazare, 2002: 13). بنابراین تعریف تروریسم بسیار مجادله برانگیز است. شاید به همین دلیل است که بیش از ۲۱۲ تعریف در مورد تروریسم وجود دارد که از این تعداد، ۹۰ مورد آن‌ها از سوی حکومت‌ها و دیگر نهادها به کار گرفته می‌شود (Spencer, 2006: 3). با این حال برای رسیدن به یک تعریف مورد

اجماع، باید به مهم‌ترین و اساسی‌ترین ویژگی‌های تروریسم توجه شود. از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های تروریسم که در اکثر تعاریف وجود دارند عبارت‌اند از بکارگیری خشونت، داشتن اهداف سیاسی، هدف قرار دادن غیر نظامیان (Ganor, 2002: 294-295) و ایجاد فضای رعب و وحشت. بنابراین با توجه به این ویژگی‌ها، تروریسم و حملات تروریستی عبارت است از: " استفاده یا تهدید به استفاده از خشونت (با ابزارهای مختلف) توسط فرد، گروه و یا دولتی بر علیه اتباع (عمدتاً غیر نظامی) یک یا چند کشور به منظور ایجاد رعب و وحشت در جامعه هدف و دستیابی به اهداف سیاسی" (اطاعت و دبیری، ۱۳۹۳: ۶۸).

۳-۲- موج مذهبی تروریسم

موج مذهبی در تقسیم‌بندی راپاپورت از آخرین سال دهه ۱۹۷۰م شروع می‌شود. در موج‌های قبلی نیز معمولاً مذهب نقش مهمی داشته است؛ همان‌طور که درگیری‌های ارمنیان، مقدونیان، ایرلندیان، قبرسیان و فلسطینیان نشان می‌دهد، فعالیت‌های مذهبی و قومی نیز در مبارزات آن‌ها وجود داشته است؛ اما تنها در این موج است که مذهب نقش بسیار متفاوت و مهمی ایفا می‌کند. در واقع یکی از خصوصاتی که به تروریسم فعلی صفت جدید بخشیده است، استفاده از مذهب است. البته مذهب صرفاً وسیله‌ای برای مشروعیت بخشیدن به خشونت می‌باشد و چنین گروه‌هایی فقط می‌خواهند با توجیه مذهبی مردم را نسبت به خود بدبین نکنند. بر همین اساس آن‌ها همچون سابق به اهداف سیاسی خود پایبند بوده و آن‌ها را دنبال می‌کنند. در واقع تروریسم مذهبی از گروه‌های مذهبی‌ای نشأت می‌گیرد که توانایی دست یافتن به اهداف خود را از راه‌های مسالمت‌آمیز سیاسی و دیپلماتیک ندارند. هدف همگی آن‌ها - از هر دینی که باشند - استقرار تئوکراسی است. همه آن‌ها قانون شریعت را برتر از قوانین ساخته دست بشر می‌دانند؛ اما با این حال، درهم تنیدگی انگیزه‌های مذهبی و اهداف سیاسی، باعث شده است تا تفکیک و تمایز میان جنبه‌های مذهبی و سیاسی گروه‌های تروریستی مذهبی مشکل شود. الهیات مذهبی در ابتدا باعث پیوستن اشخاص به گروه مذهبی می‌شوند. این گروه‌های رادیکال زمانی به موفقیت می‌رسند که اعضای خود را ترغیب نمایند تا از گروه اطاعت کرده و به اعمال تروریستی دست بزنند. در طول این پروسه الهیات درست و اصلی از بین رفته و یک ایدئولوژی رادیکال مذهبی جایگزین آن می‌شود. بدین‌سان این ایدئولوژی از سویی باعث برانگیختن تروریست‌ها شده و از سوی دیگر مشروعیت‌های مذهبی لازم را برای اعمالشان مهیا می‌سازد (Rapoport, 2002). از اواخر دهه ۷۰ میلادی دو حادثه تاریخی زمینه شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های افراطی و تروریستی را در بین کشورهای اسلامی فراهم کرد. نخست پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و به دنبال آن شکل‌گیری جریان‌های فرقه‌گرا و ضد شیعی در سراسر جهان اسلام و به خصوص در کشور پاکستان که مقابله با شیعیان و گسترش انقلاب اسلامی را وظیفه خود می‌دانستند و دوم اشغال افغانستان توسط شوروی و حمایت از گروه‌های جهادی به وسیله آمریکا و هم‌پیمانانش در چهارچوب استراتژی سد نفوذ در دوره جنگ سرد بود. بنابراین موج مذهبی تروریسم در کشورهای اسلامی که با شکل‌گیری گروه‌هایی مانند القاعده، سپاه صحابه، لشکر جنگهوی در پاکستان آغاز شده بود، امروز با گسترش فعالیت گروه‌هایی مانند القاعده، داعش، جبهه النصر و بوک الحرام کشورهای اسلامی را در بر گرفته است.

۳-۳- گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی در کشورهای اسلامی

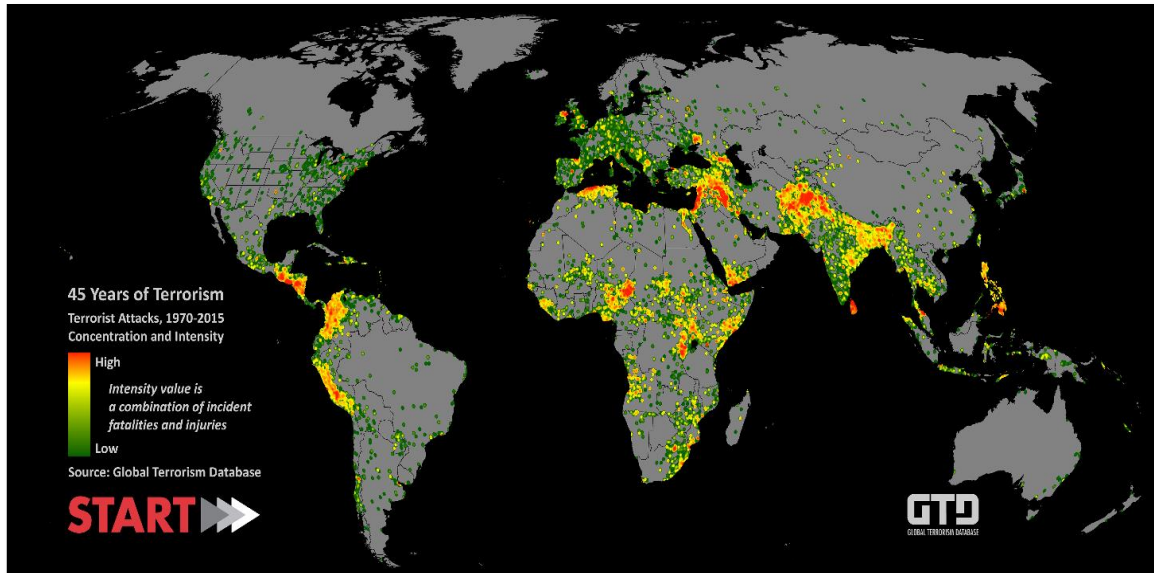
در حال حاضر کشورهای اسلامی از جنوب شرق آسیا تا شبه قاره هند و از جنوب غرب آسیا تا شمال آفریقا میزبان گروه‌های تروریستی بزرگ و کوچکی هستند که حملات تروریستی متعددی را بر علیه دولت و ملت‌های مسلمان انجام می‌دهند. گروه‌های تروریستی فعال در کشورهای اسلامی به جز معدودی از گروه‌های تجزیه‌طلب و قومی مانند پ.ک.ک و ارتش آزادی بخش بلوچستان، عمدتاً دارای هویت و ماهیت مذهبی هستند. مهم‌ترین این گروه‌های در جدول شماره ۱ آورده شده است.

جدول ۱: مهم‌ترین گروه‌های تروریستی مذهبی در کشورهای اسلامی

| نام گروه | منطقه فعالیت | اهداف سیاسی |
|-------------|--|---|
| القاعده | خاورمیانه، شبه‌قاره، شرق آسیا | اخراج غربی‌ها و غیرمسلمانان از سرزمین‌های اسلامی و ایجاد یک خلافت اسلامی در سراسر جهان. |
| داعش | عراق، سوریه | ایجاد خلافت اسلامی در منطقه شامات |
| جبهه النصره | سوریه | ایجاد خلافت اسلامی |
| الشیاب | سومالی | ایجاد خلافت اسلامی |
| بوکو حرام | شمال نیجریه، شمال کامرون، جنوب نیجر، چاد | اجرای شریعت اسلامی و نهایتاً تأسیس یک حکومت بر اساس شریعت اسلام |
| طالبان | مناطق مرزی افغانستان و پاکستان | ایجاد یک خلافت اسلامی براساس تعالیم و برداشت‌های سلفی از دین اسلام |
| لشکر طیبه | کشمیر، پاکستان، جنوب آسیا | تشکیل یک دولت اسلامی در جنوب آسیا و آزادی مسلمانان کشمیر هند اعلام شده است. |
| سپاه صحابه | پاکستان و شبه قاره | ضدیت با شیعیان و ایجاد پاکستان سنی مذهب |
| شبکه حقانی | افغانستان و پاکستان | مقابله با دولت افغانستان و شکل دهی به حکومت اسلامی |
| ابوسیاف | جنوب فیلیپین | خودمختاری مسلمانان غرب مینداناو و مجمع‌الجزایر سولو |

۳-۴- میزان تاثیرپذیری کشورهای اسلامی از تروریسم

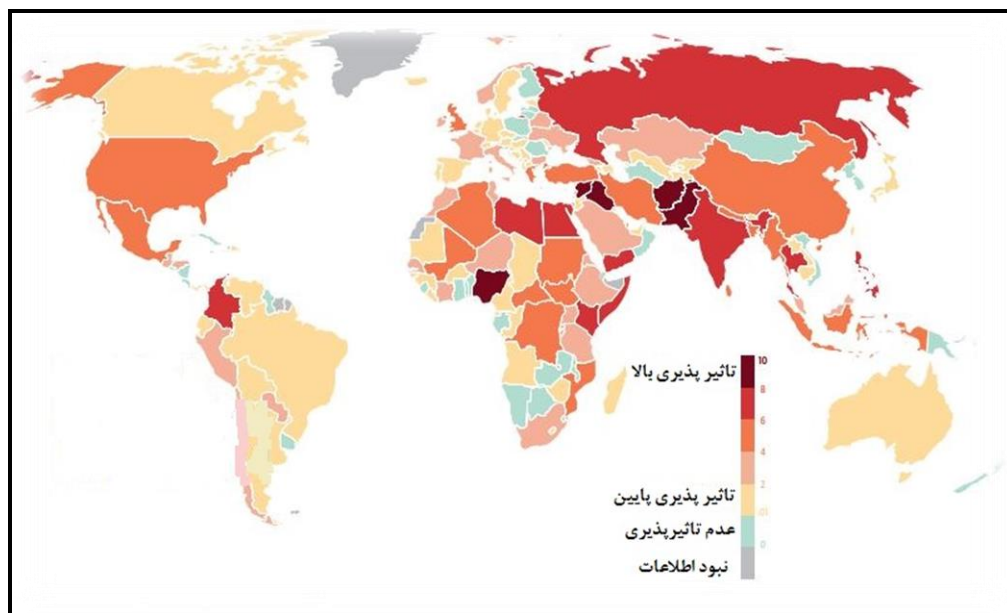
بعد از جنگ جهانی دوم تا کنون، حدود صد کشور، هدف حملات تروریستی قرار گرفته‌اند. تقریباً دوسوم این حملات در دو دهه گذشته صورت گرفته‌اند و کشورهای محل وقوع این حملات هنوز هم در معرض این تهدیدند. ۳۴ کشور از این صد کشور جزو کشورهای مسلمان‌اند که نشان دهنده آسیب‌پذیری مسلمانان در مقابل حملات تروریستی است (کوهن، ۱۳۸۷، ۱۸۵).
شکل ۱: توزیع فضایی حملات تروریستی از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۵ م.



GlobalTerrorismDatabase_TerroristAttacksConcentrationIntensityMap_45Years.png

آمار چند سال اخیر حاکی از آن است که تمرکز جغرافیایی حملات تروریستی بیش از پیش افزایش یافته است، به طوری که در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ بیش از ۷۵ درصد از کل حملات تروریستی در جنوب آسیا و خاور نزدیک اتفاق افتاده است. ۸۵٪ حملات تروریستی در این دو منطقه، در سه کشور عراق، افغانستان و پاکستان به وقوع پیوسته است. از سوی دیگر، در سایر مناطق و قاره‌ها، برخی از کشورها بیش از همسایگان خود شاهد حملات تروریستی بوده‌اند. در قاره آفریقا، سه کشور مسلمان سودان، نیجریه و سومالی بیشتر تعداد حملات تروریستی را تجربه کرده‌اند. این امر برای کشور ترکیه در اوراسیا نیز صادق است. بنابراین تاثیرپذیری کشورها از تروریسم یکسان نیست، براساس آمار و اطلاعات سال ۲۰۱۳، کشور عراق با امتیاز ۱۰ از ۱۰ بالاترین تاثیرپذیری را از تروریسم و حملات تروریستی داشته است و بعد از آن کشور افغانستان با امتیاز ۹,۳۹، پاکستان با امتیاز ۹,۳۷، نیجریه با امتیاز ۸,۵۸ و سوریه با امتیاز ۸,۱۲ قرار دارند (Global terrorism index, 2014, 8) در سال ۲۰۱۴ با تقویت گروه‌های تروریستی در سوریه و عراق و گسترش دامنه حملات آن‌ها، اوضاع در این دو کشور بحرانی‌تر شد. به طوری که میزان مرگ و میر ناشی از درگیرهای با تروریست‌ها در کشور عراق از ۸ هزار نفر در سال ۲۰۱۳ م به بیش از ۱۸ هزار نفر در سال ۲۰۱۴ رسید. شرایط در سوریه از این هم وخیم‌تر بود و تنها در سال ۲۰۱۴ بیش از ۷۲ هزار نفر غیر نظامی در نا آرامی‌های این کشور جان خود را از دست دادند (Global Peace Index, 2015, 25).

شکل ۲: میزان تاثیرپذیری کشورها از تروریسم و حملات تروریستی در سال ۲۰۱۳



(Global terrorism index, 2014, 8)

۴- یافته‌های تحقیق

در شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی در کشورهای اسلامی و به تبع آن آسیب‌پذیری بالای جهان اسلام از پدیده تروریسم دلایل مختلف داخلی و خارجی وجود دارد که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱- حکومت‌های استبدادی و عدم امکان فعالیت سیاسی مسالمت آمیز

شاخص دموکراسی اکونومیست یک تصویر کلی از دموکراسی در سراسر جهان ارائه می‌دهد. بر این اساس ۱۶۷ نظام حاکم بر ۱۶۷ کشور جهان از نظر سطح دموکراسی مورد سنجش قرار گرفته‌اند. در این شاخص پنج معیار «فرایند انتخابات و کثرت‌گرایی»، «آزادی‌های مدنی»، «عملکرد دولت»، «مشارکت سیاسی» و «فرهنگ سیاسی» مورد توجه قرار گرفته است. براساس امتیاز هر یک از کشورها در این شاخص‌ها، جایگاه آنان در یکی از چهار طبقه‌بندی «دموکراسی‌های کامل»، «دموکراسی‌های ناقص»، «رژیم‌های ترکیبی» و «رژیم‌های اقتدارگرا» قرار می‌گیرند. با بررسی جایگاه کشورهای اسلامی در این طبقه‌بندی مشخص می‌شود هیچ‌کدام از این کشورها دارای دموکراسی کامل نیستند و تنها سه کشور اندونزی (رتبه ۴۹)، تونس (رتبه ۵۷) و مالزی (رتبه ۶۸) در طبقه‌بندی دموکراسی‌های ناقص قرار می‌گیرند. همچنین ۱۰ کشور اسلامی در طبقه‌بندی رژیم‌های ترکیبی جای می‌گیرند و بقیه کشورهای اسلامی دارای رژیم‌های اقتدارگرا هستند (The Economist Intelligence Unit's

(Democracy Index 2015

جدول ۲: رژیم‌های اقتدارگرا در جهان اسلام

¹ - electoral process and pluralism
² - civil liberties
³ - the functioning of government
⁴ - political participation
⁵ - political culture
⁶ - full democracies
⁷ - flawed democracies
⁸ - hybrid regimes
⁹ - authoritarian regimes

| رتبه دموکراسی | نام کشور | رتبه دموکراسی | نام کشور |
|---------------|-------------|---------------|-----------|
| ۱۴۲ | عمان | ۱۶۶ | سوریه |
| ۱۴۰ | قزاقستان | ۱۶۲ | ترکمنستان |
| ۱۳۶ | گینه | ۱۶۰ | عربستان |
| ۱۳۴ | مصر | ۱۵۸ | تاجیکستان |
| ۱۳۴ | قطر | ۱۵۸ | ازبکستان |
| ۱۲۱ | کویت | ۱۵۴ | یمن |
| ۱۲۱ | نیجر | ۱۵۳ | لیبی |
| ۱۲۰ | اردن | ۱۵۱ | سودان |
| ۱۱۸ | الجزایر | ۱۴۹ | آذربایجان |
| ۱۱۵ | عراق | ۱۴۸ | امارات |
| ۱۱۲ | پاکستان | ۱۴۷ | افغانستان |
| ۱۱۰ | فلسطین | ۱۴۶ | بحرین |
| ۱۰۸ | نیجریه | ۱۴۵ | جیبوتی |
| ۱۰۶ | بورکینافاسو | ۱۴۳ | گامبیا |

Source: The Economist Intelligence Unit's Democracy Index 2015

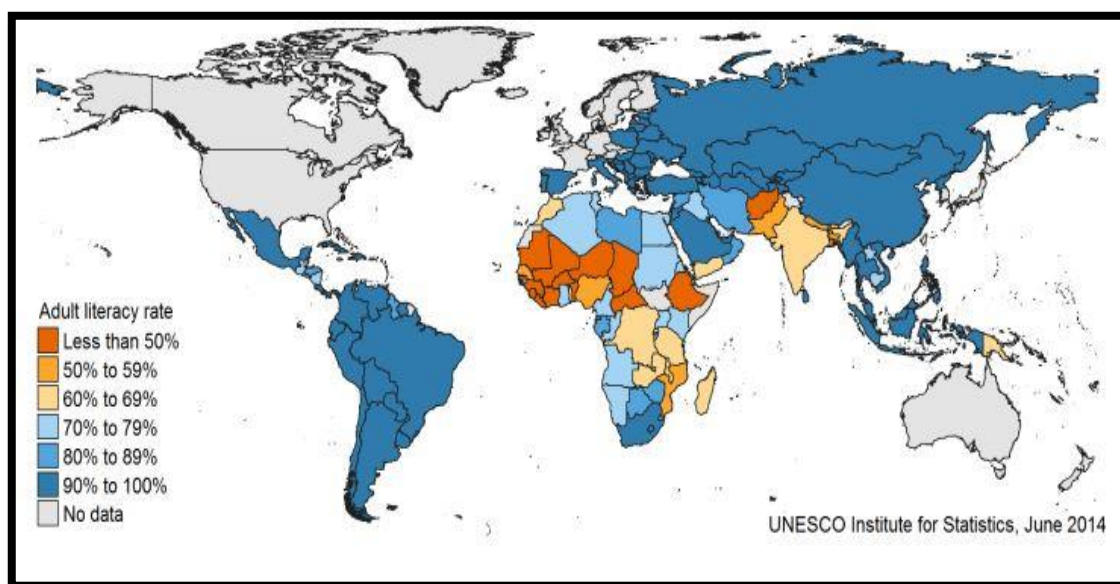
نویسندگان متعدد از جامعه شناسان تا انقلابیون معتقدند که سرکوب(ظلم) باعث برانگیختن خشونت سیاسی می‌شود(Schmid, 1983). ضعف دموکراسی و وجود حکومت‌های اقتدارگرا در کنار نبود فرهنگ سیاسی تساهل و تسامح در کشورهای اسلامی یکی از دلایل شکل‌گیری گروه‌های افراطی و تروریستی است. نبود فضای سیاسی کثرت‌گرا و برخورد شدید با هر گونه صدای معترض و مخالف باعث شده است بسیاری از گروه‌های سیاسی اپوزیسیون به اقدامات خشونت‌آمیز سیاسی بر علیه حکومت‌های اسلامی مبادرت ورزند که حملات تروریستی یکی از این اقدامات است. مصادق عینی چنین فرایندی را می‌توان در برخورد شدید حکومت‌های سوریه با مخالفان سیاسی و شکل‌گیری گروه‌های تروریستی مشاهده کرد. در واقع گروه‌های سیاسی اپوزیسیون هنگامی که فضایی برای ابراز مخالفت و اعلام موضع نداشته باشند از حملات مسلحانه و تروریستی استفاده می‌کنند. بنابراین کنار گذاشته شدن بسیاری از اقلیت‌های قومی- مذهبی و حتی اکثریت جمعیت از فعالیت‌ها و مشارکت‌های سیاسی و محرومیت‌های شدید سیاسی- اقتصادی در کشورهای اسلامی زمینه پیوستن و انجام اقدامات خشونت‌آمیز را بر علیه حکومت‌ها فراهم کرده است. از سوی دیگر بسیاری از دولت‌های اقتدارگرای کشورهای اسلامی از ابزار تروریسم بر علیه رقیبان منطقه‌ای و دیگر دولت‌های اسلامی استفاده می‌کنند. حمایت و استفاده دولت سعودی و قطر از تروریست‌های جبهه النصره و داعش نمونه‌ای از حمایت‌های دولت‌های استبدادی از تروریسم است.

۲-۴- ضعف دولت در نفوذ اجتماعی و فرایند ملت‌سازی

نفوذ اجتماعی که یکی از گرایش‌های روانشناسی اجتماعی است در حوزه رهبری و مدیریت گروه و جامعه جایگاه خاصی دارد، زیرا مدیر و رهبر نیازمند نفوذ هستند. نفوذ اجتماعی به عنوان تغییر در افکار، احساسات، نگرش‌ها و رفتارهای فرد در نتیجه تعامل با افراد یا گروه‌های دیگر تعریف شده است. نفوذ اجتماعی از انطباق، قدرت و اقتدار متمایز است. نفوذ اجتماعی فرایندی

است که در آن فرد رفتار یا عقاید خود را به صورت واقعی در نتیجه اثرگذاری دیگر تغییر می‌دهد (Sociology encyclopedia). کمبود نفوذ اجتماعی دولت را می‌توان با نبود یا عمل نکردن نهادهای دولتی اندازه‌گیری کرد. این کمبود نفوذ به دیگر سازمان‌ها اجازه می‌دهد حضور و نفوذ خود را افزایش دهند (Rabasa and et al, 2007: 7). فضاها و مناطقی که در آنها نفوذ اجتماعی دولت پایین‌تر است به طور بالقوه پتانسیل بیشتری برای حضور سایر سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی دارند. در بسیاری از کشورهای اسلامی نیز به دلیل ضعف آرمان سیاسی یا علت وجودی و مرزبندی مصنوعی؛ دولت نفوذ چندانی در بدنه اجتماعی جمعیت ندارد. این امر هنگامی شدیدتر می‌شود که دولت اسلامی در فرایند ملت‌سازی و خلق آرمان سیاسی مشترک برای گروه‌های مختلف جمعیتی نیز ناکام بماند. نظام آموزشی که یکی از ابزارهای حکومت‌ها برای نزدیکی اقوام و گروه‌های مختلف جمعیتی در یک کشور و نهایتاً ایجاد یک هویت ملی است در کشورهای اسلامی بسیار ضعیف و تحت تاثیر نظام اعتقادی مذهبی و قومی است. بنابراین نفوذ اجتماعی پایین در گروه‌های مختلف جمعیتی بسیار از کشورهای اسلامی و نبود آرمان سیاسی مشترک و در نتیجه بحران هویت در این کشورها زمینه را برای نفوذ سازمان‌های تروریستی و گروه‌های افراطی فراهم آورده است.

شکل ۳: میزان با سواد بزرگسالان در سال ۲۰۱۴



UNESCO Institute for Statistics, June 2014

۳-۴- تکثر قومی - مذهبی

بسیاری از کشورهای اسلامی دارای تنوع قومی - مذهبی قابل توجهی هستند به طوری که می‌توان آن‌ها را کشورهای چند قومی یا چند مذهبی نامید. اگرچه تنوع قومی مذهبی در بسیاری از کشورهای دنیا امر عادی و پذیرفته‌شده‌ای است، در برخی از کشورها اسلامی، فرقه‌گرایی مذهبی و قوم‌گرایی افراطی موجب شده که خشونت‌های قومی - مذهبی میان اقوام و مذاهب مختلف گسترش فزاینده‌ای یابد؛ خشونت‌هایی که، با اهداف سیاسی، غیرنظامیان و گروه‌های قومی - مذهبی دیگر را هدف قرار می‌دهند. در واقع تنوع قومی مذهبی در کنار تعصب و عدم تساهل رقابت‌ها و خشونت‌های غیرقابل کنترل را در برخی از کشورهای اسلامی ایجاد کرده است. به طور مثال عراق از جمله کشورهای خاورمیانه است که پس از جنگ جهانی اول و با اراده قدرت‌های اروپایی از به هم پیوستن سه ولایت پیشین امپراتوری عثمانی یعنی بغداد، بصره و موصل پا بر عرصه وجود نهاده است. گروه‌های مذهبی و قومی کرد سنی، عرب شیعی و عرب سنی در کشور عراق از دیرباز رقابت‌های شدیدی با یکدیگر داشته‌اند و هم‌گرایی و تساهل

اندکی را نسبت به یکدیگر به خرج می‌دهند. تنوع قومی - مذهبی و روابط غیر مسالمت آمیز میان گروه‌های قومی - مذهبی در دیگر کشورهای اسلامی را نیز می‌توان یافت. خشونت‌ها و درگیری‌ها میان پشتون‌ها و تاجیک‌ها در افغانستان، شیعیان و گروه‌های سلفی و وهابی در پاکستان، علوی‌ها و سنی‌ها در سوریه منشا بسیاری از اقدامات تروریستی و شکل‌گیری گروه‌های افراطی است. در واقع تکثر قومی - مذهبی به همراه قوی تر بودن هویت قومی و مذهبی در مقایسه با هویت ملی یکی از زمینه‌های انجام اقدامات خشونت آمیز مذهبی و قومی و بوجود آمدن گروه‌های تروریستی است.

۴-۴- رشد و ترویج اندیشه‌های افراطی و تکفیری

از آنجا که اکثر قریب به اتفاق گروه‌های تروریستی در کشورهای اسلامی دارای ماهیت مذهبی و اهداف ایدئولوژیک هستند، مهمترین و تاثیرگذار ترین دلایل شکل‌گیری و رشد این گروه‌ها در چهار دهه گذشته در جهان اسلام حاصل ترویج و رشد اندیشه‌های مذهبی افراطی همچون وهابیت و دیوبندی بوده است. در واقعا ماهیت و تعالیم خشونت آمیز و تکفیری چنین فرقه‌هایی عامل اصلی بسیاری از خشونت‌های تروریستی در کشورهای اسلامی است. وهابیت یکی از موفق‌ترین جریان‌های ساختگی است که با مدیریت قدرت‌های استکباری توانسته اتحاد امت اسلامی را به تفرقه و تشتت تبدیل کند. وهابیت اولین جریان در تاریخ اسلام بود که معنای جهاد را توسعه داد و جنگیدن با مسلمانان مخالف خود را جهاد و مخالفان خود را کافر و واجب‌القتل دانست (علی بخشی، ۱۳۹۴: ۵۵). یکی دیگر از فرقه‌هایی که مسئول بسیاری از حملات تروریستی در منطقه جنوب آسیاست، فرقه انحرافی «دیوبندی» است. این فرقه مذهبی که منشأ آن از هند بریتانیا بود، امروز در پاکستان بسیار گسترده شده است. دیوبندی‌ها با مکتب امامان شیعه به شدت مخالف هستند و هرگونه تفسیر و نوآوری در منابع مذهبی را رد می‌کنند. از سال ۱۹۴۰ که فتوایی از دارالعلوم دیوبند به عنوان حوزه علمیه مادر در اوتارپرادش هند، مبنی بر کافر بودن شیعیان صادر شد، چندین گروه تروریستی در جهاد علیه شیعیان شرکت کردند. از مهم‌ترین گروه تروریستی که تحت تأثیر اعتقادات این فرقه علیه شیعیان اقدامات تروریستی انجام می‌دهد «سپاه صحابه» نام دارد که در سال ۱۹۸۵ تأسیس شده است. علاوه بر این، درگیری‌های خونینی میان دیوبندی و دیگر فرقه‌های اهل سنت، مانند بریلوی (اهل سنت، والجماعت) به وقوع پیوسته است. بریلوی که از تصوف و شیوه‌های سنتی در اسلام تأثیر پذیرفته است، به عنوان یک واکنش در برابر تلاش‌های افراطی فرقه دیوبندی، شکل گرفت. این جنبش درگیری‌های بسیاری با مکتب دیوبندی در جنوب آسیا، مخصوصاً پاکستان داشته است. از سوی دیگر، تأسیس مدارس دینی وابسته به فرقه دیوبندی و وهابیت در جنوب آسیا خطر برخوردهای فرقه‌ای و اقدامات تروریستی را به شدت افزایش داده است. به طوری که فقط در کراچی پاکستان حدود ۱۵۰۰ مدرسه دیوبندی وجود دارد. این شهر در سال‌های اخیر تبدیل به یکی از شهرهای اصلی برای خشونت‌های فرقه‌ای و اقدامات تروریستی شده است (Kolstad wig, 2009, 18). وجه مشترک تفکر دیوبندی و وهابیت در احیای خلافت اسلامی، ضدیت با شیعیان و مخالفت با فرهنگ و تمدن غربی است. مهم‌ترین اصل در اندیشه سیاسی دیوبندی و سایر گروه‌های بنیادگرای افراطی از جمله طالبان، احیای اصل «خلافت اسلامی» در نظام سیاسی اسلام است. آنچه که مسلم است توسعه اندیشه‌های مذهبی افراطی و غیرانسانی زیربنای فکری شکل‌گیری گروه‌های و سازمان‌های تروریستی مذهبی همچون داعش، القاعده و جبهه النصره در جهان اسلام را تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر گسترش چنین اندیشه‌هایی که از باورهای مذهبی برای جذب نیرو و انجام حملات تروریستی استفاده می‌کنند باعث شده که حملات انتحاری به عنوان خطرناک‌ترین شکل حملات تروریستی در کشورهای اسلامی فراوانی بیشتری پیدا کند.

۴-۵- کشورهای شکننده و وجود فضاها فاقد حاکمیت

فضاهای فاقد حاکمیت به نواحی گفته می‌شود که نفوذ دولت در جامعه ضعیف است و بخش قابل توجهی از ساکنان انحصار دولت در استفاده از زور را به رسمیت نمی‌شناسند. ضعف نفوذ دولت می‌تواند به سه شکل ناقص^۱، رقابتی^۲ یا حکمرانی رها شده^۳ باشد. «حاکمیت ناقص» نشان می‌دهد یک حکومت فاقد ظرفیت لازم برای اعمال قدرت یا تهیه کالاها در منطقه است. «حاکمیت رقابتی» نشان می‌دهد حکومت قدرت کافی برای حفظ حضور و میزانی از نفوذ را دارد؛ اما نه به اندازه‌ای که مردم محلی را به مشروعیت انحصاری حکومت متقاعد سازد. «حاکمیت رها شده» نیز نشان می‌دهد دولت تلاش برای کنترل و تعهد به یک فضا را کاملاً رها کرده است (Rettig, 2013: 3-4). فضاهای فاقد حاکمیت آخرین صورت خارجی نگرانی‌های مستمر درباره حاکمیت حکومت‌ها هستند که موجب تشدید بی‌ثباتی شده و پناهگاه مناسبی برای بازیگران غیردولتی خشن فراهم می‌آورد که حملات خود را از آنجا آغاز کرده یا فعالیت‌های مجرمانه را دنبال کنند (Keister, 2014: 1). تقریباً تمام فضاهای فاقد حاکمیت در درون کشورهای به اصطلاح شکننده قرار دارند. کشورهای شکننده حکومت‌هایی‌اند که حق انحصاری قدرت آن‌ها در مقابل بازیگران غیردولتی با چالش مواجه شده و از سوی دیگر، در کنترل سرزمین و مرزهای ملی ناتوان هستند. مهم‌ترین ویژگی هر حکومت در اختیار داشتن حق انحصاری به‌کارگیری قدرت در قلمرو جغرافیایی مشخص است و هنگامی که این حق به‌دست بازیگران و گروه‌های غیردولتی از بین رود، حکومت شکننده محسوب می‌شود. این کشورها همواره با جدایی‌طلبی، جنگ‌های داخلی و تلاش‌های خشونت‌آمیز بزرگ مقیاس بین حکومت و دیگر بازیگران غیردولتی مواجه هستند. شاخص کشورهای شکننده به طور سالانه رتبه ۱۷۸ کشور را براساس میزان ثبات و فشاری که این کشورها با آن رو به رو هستند مشخص می‌کند. براین اساس کشورها براساس میزان پایداری و یا بی‌ثباتی در یک طیف «یازده‌تایی» قرار می‌گیرند که یک طرف آن را کشورهای «بسیار پایدار» و طرف دیگر را کشورهای «بسیار آشوب‌زده» در برمی‌گیرند. در این شاخص متغیرهای مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی متعددی مورد سنجش قرار می‌گیرند. با بررسی جایگاه کشورهای اسلامی در این شاخص مشخص می‌شود که هیچ‌یک از کشورهای اسلامی در طیف‌های «بسیار پایدار»، «پایدار» و «بسیار باثبات» قرار نمی‌گیرند. این در حالی است که ۳۰ کشور اسلامی در قسمت دوم طیف یعنی در بین کشورهایی با «هشدار افزایش یافته» تا «بسیار آشوب‌زده» قرار دارند (جدول شماره ۳). این امر نشان دهنده تعدد کشورهای شکننده در جهان اسلام است. از سوی دیگر کشورهای بی‌ثبات و شکننده یکی از پناهگاه‌ها و مکان‌های ایمن برای رشد و فعالیت گروه‌های تروریستی است. از لحاظ نظری، کشورهای شکننده گروه‌های تروریستی بیشتر را در خود جای می‌دهند و بیشترین میزان حملات تروریستی را تجربه می‌کنند. همچنین، شهروندان این کشورها بیشتر به گروه‌های تروریستی می‌پیوندند و در اقدامات آن‌ها شرکت می‌کنند (اطاعت و دبیری، ۱۳۹۵: ۱۲۴). بنابراین قلمرو بسیاری از کشورهای اسلامی به دلیل بی‌ثباتی و عدم توانایی در کنترل سرزمین به فضایی امن برای فعالیت تروریست‌ها تبدیل شده است. نمونه چنین فضاهایی را می‌توان در کشور افغانستان، پاکستان، یمن، سومالی، سودان، سوریه، لیبی و عراق مشاهده کرد.

¹ - incomplete

² - contested

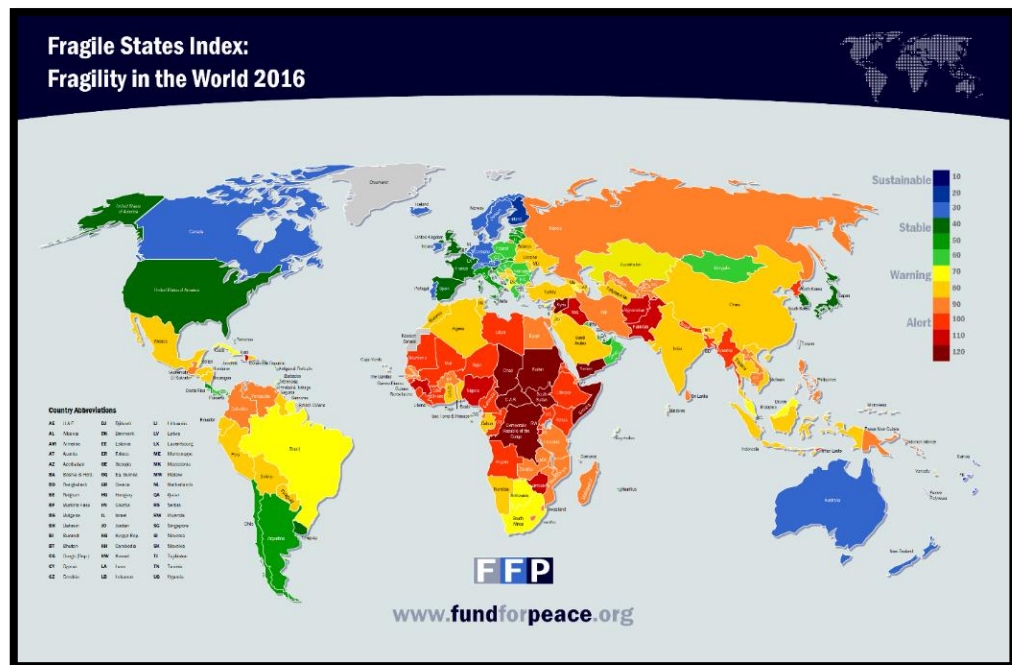
³ - abdicated governance

جدول ۳: جایگاه کشورهای اسلامی در شاخص کشورهای شکننده در سال ۲۰۱۶

| Very Sustainable | Sustainable | Very Stable | More Stable | Stable | Warning | Elevated Warning | High Warning | Alert | High Alert | Very High Alert |
|------------------|-------------|-------------|---------------|--------------|-------------------|--|--|------------------------------------|---|--|
| - | - | - | امارات قطر | عمان کویت | بحرین قزاقستان | عربستان مراکش تونس اندونزی ترکمنستان آذربایجان ترکیه | قرقیزستان ازبکستان تاجیکستان لبنان سنگال گامبیا | مصر بنگلا دش لیبی نیجر | پاکستان عراق افغانستان تان نیجریه | سوریه سودان ان یمن سومالی چاد |

(The Fund for Peace, 2016: 6-7)

شکل ۴: توزیع فضایی حکومت‌های ورشکسته



(The Fund for Peace, 2016: 5)

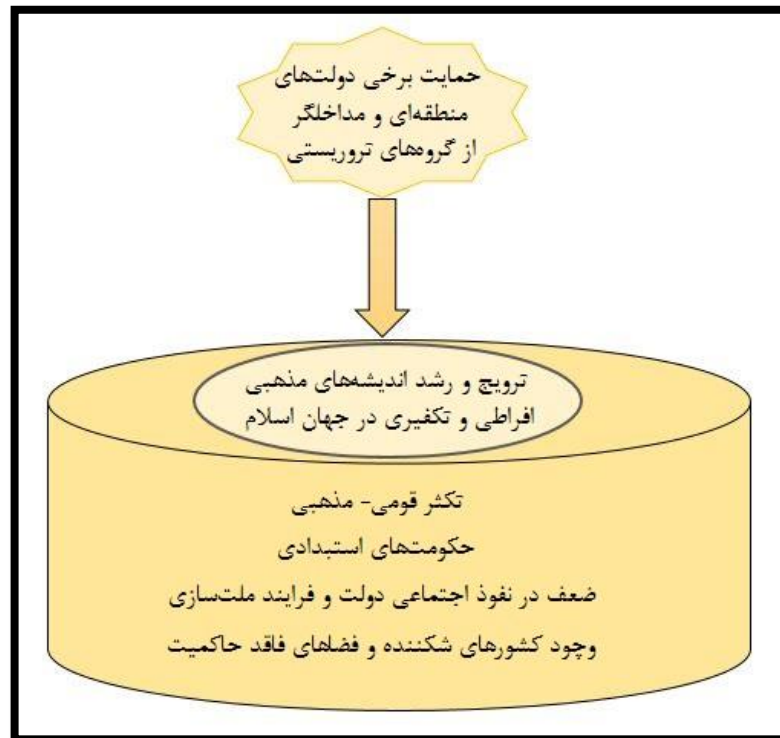
۶-۴- حمایت دولتی و استفاده ابزاری از تروریسم

یکی از مهمترین عواملی که باعث رشد و قدرت گیری گروه‌های تروریستی در کشورهای اسلامی شده است حمایت مستقیم یا غیر مستقیم تجهیزاتی، اطلاعاتی و لجستیکی این گروه‌ها توسط برخی از قدرت‌های منطقه‌ای و مداخلگر است. سازمان‌های تروریستی سازمان یافته و پر قدرت در کشورهای اسلامی مانند القاعده، طالبان، شبکه حقانی، داعش و جبهه النصره از حمایت‌های مختلف مالی، سیاسی و نظامی برخی از دولت‌ها برخوردار هستند و تعدادی از آن‌ها از ابتدا براساس طراحی سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی قدرت‌های فرامنطقه‌ای شکل گرفته‌اند. در شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های مجاهد سنی افغان در نبرد با شوروی و همچنین، گروه تروریستی القاعده، مجموعه‌ای از قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، با اهداف متفاوت نقش‌آفرین بودند و در این میان پاکستان سعودی و ایالات متحده بیشترین نقش را داشتند. به طوری که ایالات متحده در فاصله سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۱ در حدود سه میلیارد دلار به القاعده و گروه‌های مجاهد افغان، که مشغول نبرد با شوروی بودند، کمک مالی کرد (CRS, 2010, 6). در طی این دوره (۱۹۸۱ تا ۱۹۹۱) نیز هیچ مدرکی وجود ندارد که القاعده و بن‌لادن برنامه یا حمله‌ای علیه منافع امریکا انجام داده باشند. حمایت امریکا از گروه‌های مجاهد افغانی و القاعده در دوره جنگ با شوروی را باید در چارچوب دیدگاه‌های ژئواستراتژیک امریکا و همچنین، استراتژی سد نفوذ این کشور در برابر شوروی طی جنگ سرد تحلیل کرد. بنابراین، شکل‌گیری سازمان القاعده را می‌شود به دوره اشغال افغانستان و مبارزه مجاهدین افغان و عرب علیه شوروی مربوط دانست. در ارتباط با گروه‌های تروریستی مانند پ.ک.ک، داعش و جبهه النصره نیز حمایت آشکار و پنهان برخی از قدرت‌ها در مجموع کشورهای اسلامی و همچنین دولت‌های غیر اسلامی هویدا است. بنابراین استفاده ابزاری از تروریسم به عنوان اهرمی در روابط بین الملل با انگیزه‌های مختلف ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی یکی از اصلی‌ترین دلایل شکل‌گیری این گروه‌ها در میان کشورهای اسلامی است. در واقع می‌توان مدعی بود، بدون حمایت برخی از دولت‌ها اساساً گروه‌های تروریستی در جهان اسلام از قدرت و دایره نفوذ چندانی برخوردار نخواهد بود و این حمایت و طراحی‌های قدرت‌های مداخله گر است که از فضا و شرایط موجود در کشورهای اسلامی استفاده کرده و گروه‌های تروریستی را شکل داده و تقویت می‌کنند.

۵- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در چند سال اخیر تروریسم یکی از جدی‌ترین بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام بوده است. بسیاری از دولت‌های اسلامی به طور مستقیم یا غیرمستقیم با گروه‌های تروریستی سازمان یافته درگیر هستند. بحران تروریسم در جهان اسلام به قدری جدی است که خطر شکل‌گیری دولت تروریستی و حتی ساقط شدن حکومت‌های اسلامی توسط گروه‌های تروریستی وجود دارد. از سوی دیگر فعالیت گروه‌های تروریستی و رشد تروریسم در میان کشورهای اسلامی خود منشأ بسیاری دیگر از بحران‌های جهان اسلام از جمله بی‌ثباتی سیاسی، مهاجرت و آوارگی، از بین رفتن زیرساخت‌های اقتصادی کشورها و حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در قلمرو جهان اسلام بوده است. بنابراین شناسایی و تجزیه و تحلیل عوامل اصلی در شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی در پیکره جهان اسلام واجد اهمیت بسزایی است. آنچه مسلم است شکل‌گیری این گروه‌ها تحت تاثیر یک عامل یا شرایط نبوده است؛ بلکه عوامل مختلف سیاسی، اقتصادی، جمعیتی و ژئوپلیتیکی در پیوند و تقویت یکدیگر باعث بوجود آمدن گروه‌های تروریستی شده است. در این میان برخی از شرایط مانند تکثر قومی - مذهبی، حکومت‌های استبدادی و ضعف دموکراسی، وجود کشورهای شکننده، ضعف در نفوذ اجتماعی دولت‌ها و فرایند ملت سازی به عنوان «عوامل درون زا» و ترویج و رشد اندیشه‌های افراطی و تکفیری در کنار حمایت دولتی و استفاده ابزاری دولت‌ها از تروریسم به عنوان «عوامل برون زا» بیشتر تاثیر را در شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی در جهان اسلام داشته است. در واقع این دو عامل خارجی از بیرون از جهان اسلام به ساماندهی، هدایت و تقویت گروه‌های افراطی و تروریستی در بستر فراهم کشورهای اسلامی مبادرت می‌ورزند.

شکل ۵: عوامل موثر در شکل گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی در کشورهای اسلامی



بنابراین از بین بردن بحران تروریسم در جهان اسلام در وهله اول در گرو از تحول و تغییر در اندیشه‌های افراطی است که به وسیله برخی از مدارس دینی فرقه‌های وهابیت و دیوندی تغذیه می‌شوند و همچنین قطع حمایت مالی، لجستیکی و اطلاعاتی به وسیله برخی از دولت‌ها است و در بلند مدت نیز باید با حاکم کردن نظام‌های دموکراتیک و افزایش نفوذ اجتماعی و شکل‌دهی به یک آرمان سیاسی مشترک میان ملت‌ها و حاکمیت کامل بر قلمروهای کشور های اسلامی بسترهای مساعد برای شکل‌گیری گروه‌های تروریستی را از بین برد. در غیر این صورت با مهیا بودن شرایط داخلی و زیربنایی در کشورهای اسلامی، هرگاه اراده قدرت‌های فرامنطقه‌ای و ابرقدرت‌ها اعمال بشود، گروه‌های خشونت طلب و افراطی امکان شکل‌گیری و فعالیت دارند.

۶- منابع و ماخذ

- ۱- اطاعت، جواد؛ و علی اکبردبیری (۱۳۹۳)، ارزیابی جغرافیای حملات تروریستی با استفاده از نظریه انتخاب عقلانی، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۵، ش ۳۷، ص ۸۹-۶۳.
- ۲- اطاعت، جواد؛ و علی اکبردبیری (۱۳۹۵) تروریسم، ابعاد مکانی و بازتاب‌های جهانی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۳- علی بخشی، عبدالله (۱۳۹۴)، جریان‌شناسی گروه‌های سلفی، جهادی و تکفیری، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مرکز مطالعات فرهنگی و بین‌المللی.

4- The Fund for Peace (2016), the Fragile States Index, Foreign Policy Magazine Is the Media Partner of the Fragile States Index,

5- Global Peace Index (2015), Measuring Peace, Its Causes and Its Economic Value, the Institute for Economics and Peace (IEP).

6- Global Terrorism Index (2014), Measuring and Understanding the Impact of Terrorism, the Institute for Economics and Peace (IEP).

7- Keister, Jennifer (2014), the Illusion of Chaos Why Ungoverned Spaces Aren't Ungoverned, and Why That Matters, Policy Analysis, CATO Institute

- 8- Rapaport, David C. (2002), the Four Waves OF Rebel Terror and September 11, *Anthropoetics* 8, No. 1, PP.1-19, spring and Summer, Also Available at: [Http://Www.Anthropoetics.Ucla.Edu/Archive/Apo801.Pdf](http://www.anthropoetics.ucla.edu/archive/Apo801.pdf).
- 9- Schmid, Alex P. (1977) *The Problems Of Defining Terrorism*, *Encyclopedia Of World Terrorism*, 12 (Martha Crenshaw & John Pimlott Eds).
- 10- Schmidt, Alex P. And Jongman, Albert I. (1988), *Political Terrorism*. SWIDOC Amsterdam and Transaction Books.
- 11- Ganor, Boaz, (2002) *Defining Terrorism: Is One Man's Terrorist another Man's Freedom Fighter? Police Practice and Research*, Vol. 3, No. 4, Publication Routledge. Page 287- 304, DOI: 10.1080/1561426022000032060.
- 12- Spencer, Alexander, «Questioning The Concept Of New Terrorism», *Peace Conflict & Development*, Issue 8, Page 1-33, 2006.
- 13- Lizardo, Omar A, Bergesen Albert J, (2002), *Humboldt Journal Of Social Relations*, Volume 27, Number 2.
- 14- Kolstad Wiig, Audun (2009); *Islamist Opposition In The Islamic Republic Jundullah And The Spread Of Extremist Deobandism In Iran*, Norwegian Defence Research Establishment (FFI).
- 15- The Economist Intelligence Unit's Democracy Index 2015.
- 16- Rettig, Mike (2013), *Mitigating the Threat Posed by Ungoverned Spaces Cost-effective Proposals to Enhance U.S. and Global Security*, *Policy Journal*, Volume 1, Issue 2.
- 17- [Http://Www.Sociologyencyclopedia.Com/Fragr_Image/Media/Social](http://www.sociologyencyclopedia.com/fragr_image/media/social).
- 18- [Https://Www.Start.Umd.Edu/Gtd/Images/START_Globalterrorismdatabase_Terroristattacksconcentrationintensitymap_45 Years.Png](https://www.start.umd.edu/gtd/images/START_Globalterrorismdatabase_Terroristattacksconcentrationintensitymap_45Years.png).
- 19- UNESCO Institute for statistics 2014.